۱۱۵-۱۳۱

مدل‌یابی روابط ساختاری مقابله زوجی حمایتی، نزدیکی رابطه و رضایت زناشویی در معلمان زن متأهل

◈ دکتر زهرا نادری نوبندگانی[۱] ◈ دکتر پریسا یاسمی‌نژاد[۲] ◈ دکتر خدیجه شیرالی‌نیا[۳]

چکیده: هدف پژوهش حاضر مدل‌یابی روابط ساختاری مقابله زوجی حمایتی خود و همسر و رضایت زناشویی با توجه به نقش میانجی نزدیکی رابطه در معلمان زن متأهل شهر شیراز بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی و جامعه پژوهش همه معلمان زن شهر شیراز در سال ۱۴۰۰ بودند که از این میان ۲۰۴ نفر از معلمان مدارس ناحیه ۱ با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان از طریق لینکی که برای آنان ارسال شد به پرسشنامه مقابله زوجی (DCQ) بودنمن (۲۰۰۸)، پرسشنامه رضایت زناشویی (ENRICH) فاورز و اولسون (۱۹۹۳) و مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه (URCS) دیبل و همکاران (۲۰۱۲) پاسخ دادند. سپس داده‌ها با روش تحلیل مسیر و نرم‌افزارهای AMOS-25 و SPSS-25 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان دادند که میان متغیرها به‌صورت دو به دو رابطه وجود دارد. با وجود آنکه مسیر مستقیم مقابله زوجی حمایتی همسر به رضایت زناشویی معنادار بود، مسیر مستقیم مقابله زوجی حمایتی خود به رضایت زناشویی معنادار نبود. همچنین از آزمون بوت‌استرپ نرم‌افزار AMOS برای تعیین معناداری اثرات غیرمستقیم استفاده شد و نتایج نشان داد که نزدیکی رابطه می‌تواند در رابطه میان مقابله زوجی حمایتی خود و همسر با رضایت زناشویی در معلمان زن متأهل نقش میانجی داشته باشد. بر این اساس می‌توان گفت حمایت زوجها هنگام بحران نقشی تأثیرگذار در رضایت زناشویی دارد و در این میان نزدیکی رابطه می‌تواند نقش اساسی ایفا کند.

کلید واژگان: رضایت زناشویی، مقابله زوجی حمایتی خود، مقابله زوجی حمایتی همسر، نزدیکی رابطه، معلمان زن متأهل

◉ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵ ◉ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳

۱. **نویسنده مسئول:** استادیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. **E-mail:** zahra.naderi@yazd.ac.ir

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. **E-mail:**p.yasemi@razi.ac.ir

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. **E-mail:** k.shiralinia@scu.ac.ir

مقدمه

رضایت زناشویی[1] وضعیتی روانی است که نشان‌دهنده میزان خشنودی فرد از بودن در رابطه زوجی است. برخی پژوهشها نشان داده‌اند که زوجها با رضایت بالا شروع می‌کنند اما در گذر زمان از میزان رضایتشان کاسته می‌شود و برخی نشان داده‌اند که این اتفاق در مورد عده‌ای معدود رخ می‌دهد و بیشتر زوجها تغییراتی به این شدت ندارند (بوهلر[2] و همکاران، ۲۰۲۱). وانگ و گودوین[3] (۲۰۰۹؛ به نقل از فینزی دوتان و شیف[4]، ۲۰۲۲) معتقدند رضایت زناشویی در روابطی که صمیمانه، حمایت‌کننده، همخوان و سازگار باشند، در گذر زمان افزایش می‌یابد. اما در عین حال حوادث استرس‌زای زندگی و فشارهای گوناگون می‌توانند رابطه زوجها را تحت تاثیر قرار دهند و به عنوان پیش‌بینی مهم برای عدم ثبات روابط نزدیک (رندال و بودنمن[5]، ۲۰۰۹) یا حتی ثبات آن نقش ایفا کنند.

به دلیل وجود نگرانیها، منابع، اهداف و پیوندهای اجتماعی مشترک در زندگی زناشویی، بسیاری از اتفاقات ناراحت کننده برای یکی از اعضای واحد زوجی، هر دو نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کوترونا[6] و همکاران، ۲۰۱۸). در این‌گونه موقعیتها مقابله زوجی[7] با مشکلات یکی از مواردی است که می‌تواند رضایت زوج از زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد، از این رو طی دو دهه اخیر توجه پژوهشگران بیشتری را به خود جلب کرده است (آکواتی و کایزر[8]، ۲۰۱۹). مقابله زوجی شامل بروز علائم استرس در یکی از همسران، ایجاد پاسخهای مقابله‌ای کلامی یا غیر کلامی طرف مقابل و تلاشهای مقابله‌ای مشترک در جهت کاهش این استرس است (بودنمن، ۲۰۰۵؛ بودنمن و سینا[9]، ۲۰۰۵). پژوهشها نشان می‌دهند که مقابله زوجی نسبت به نوع فردی آن پیش‌بینی قوی‌تر برای رضایت زناشویی است (هرزبرگ[10]، ۲۰۱۳) و نقشی مهم در حفظ روابط نزدیک دارد (برایتنشتاین[11] و همکاران، ۲۰۱۸) کما اینکه دوناتو[12] و همکاران (۲۰۲۱) بر این باورند که زوجهای ناراضی نسبت به زوجهای راضی به میزان کمتری از مقابله زوجی استفاده می‌کنند. به‌طورکلی مقابله هر یک از همسران نه تنها می‌تواند بر رضایت خودشان از رابطه اثر منفی یا مثبت بگذارد (اثر بازیگر) بلکه می‌تواند رضایت همسر از رابطه را نیز به همین صورت

1. Marital satisfaction
2. Bühler
3. Wong & Goodwin
4. Finzi-Dottan & Schiff
5. Randall & Bodenmann
6. Cutrona
7. Dyadic coping
8. Acquati & Kayser
9. Cina
10. Herzberg
11. Breitenstein
12. Donato

تحت‌الشعاع قرار دهد (اثر شریک) (روسو[1] و همکاران، ۲۰۱۵).

مدلهای طراحی شده در زمینه مقابله زوجی در پی تشریح این مسئله‌اند که چگونه زوجها با استرس مقابله می‌کنند و به آن پاسخ می‌دهند (بانون[2] و همکاران، ۲۰۲۱). در این بین بودنمن (۱۹۹۵) به منظور تشریح سازوکار اثرگذاری مقابله زوجی بر روابط میان - فردی زوجها، مدل تعاملی نظام‌مند[3] را معرفی کرده است که در آن مقابله زوجی به‌مثابه تلاشها و نیز شیوه مشترک زوج در جهت حل مسئله و فراهم کردن حمایت هیجانی در برخورد با مشکلات زندگی تعریف می‌شود. در این مدل تجربه استرس یکی از اعضای خانواده بر دیگری اثر می‌گذارد. مقابله زوجی در مدل مذکور در دو دسته مثبت (مقابله حمایتی[4]، مقابله مشترک[5]، مقابله محول‌شده[6]) و منفی (دوسوگرا[7] و خصمانه[8]) قرار می‌گیرد (شی[9] و همکاران، ۲۰۲۱). اگر چه هم مقابله مثبت و هم منفی می‌تواند بر رابطه آثار مثبتی بگذارد، اما براساس پژوهشها، مقابله زوجی مثبت با پیامدهای بهتری هم در سطح فردی و هم زوجی همراه است (به نقل از فلاح‌چای، ۱۳۹۷). این نوع از مقابله به سه روش اصلی رخ می‌دهد: مقابله زوجی حمایتی که در آن یکی از طرفین وظایف روزانه را به‌عهده می‌گیرد، همدلی می‌کند و همبستگی با طرف مقابل را منتقل می‌کند. مقابله زوجی مشترک زمانی رخ می‌دهد که زوج درگیر حل مشکلات به‌صورت مشترک، گردآوری اطلاعات با یکدیگر یا به اشتراک گذاشتن احساسات و تعهد متقابل می‌شوند و مقابله زوجی محول‌شده زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از اعضای واحد زوجی به صراحت از دیگری می‌خواهد در تلاش برای کاهش سطح استرس، از وی حمایت کند (بودنمن، ۱۹۹۵؛ ۲۰۰۵). برخی پژوهشها نشان داده‌اند که میان مقابله زوجی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد (هرزبرگ، ۲۰۱۳، پاپ و ویت[10]، ۲۰۱۰) و برخی نیز نشان داده‌اند که مقابله زوجی به سبب کاهش استرس، رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد (روسو و همکاران، ۲۰۱۵، جنس[11] و همکاران، ۲۰۲۳).

از میان انواع مقابله‌های زوجی، مقابله زوجی حمایتی، یکی از انواع مثبت مقابله است و زمانی رخ می‌دهد که یکی از اعضای واحد زوجی به طرف مقابل در تلاشهای مقابله‌ای‌اش کمک می‌کند. این نوع از مقابله شامل مواردی مانند کمک به انجام امور روزانه، گفتگو در مورد موضوع مورد علاقه طرف مقابل، درک همدلانه یا نشان دادن توافق نظر به طرف مقابل است (بودنمن، ۱۹۹۷). شایان ذکر است

1. Rusu
2. Bannon
3. Systemic Transactional Model (STM)
4. Support coping
5. Common coping
6. Delegated coping
7. Contradictions
8. Hostility
9. Shi
10. Papp & Witt
11. Genç

که مقابله زوجی حمایتی در دو دســـته مقابله حمایتی خود و همسر قرار می‌گیرد و شامل ارزیابی فرد است از عملکرد حمایتی خود و همسرش در موقعیتهای استرس‌زای زندگی که برای هر کدام از طرفین رخ می‌دهد. مقابله زوجی حمایتی یک رفتار نوع دوســـتانه محســـوب نمی‌شود چرا که شامل تلاشهایی برای حمایت از همســـر، با هدف مضاعف کاهش اســـترس در خود فرد اســـت (بودنمن، ۱۹۹۵). برخی پژوهشها نشان داده‌اند که مقابله زوجی حمایتی پیش‌بین مهم رضایت زناشویی است (بودنمن، ۱۹۹۵؛ فالکونیر[1] و همکاران، ۲۰۱۵). یورکیو و جانسون[2] (۲۰۲۱) بر این باورند که مقابله زوجی حمایتی عامل نگهدارندهٔ رضایت جنسی به‌منزلهٔ مؤلفه مهم رضایت زناشویی در برابر شرایط استرس‌زا است. به‌طورکلی دیده شـــده که میان مقابله زوجی حمایتی و رضایت زناشـــویی در فرهنگهای گوناگون از جمله لاتینی، اروپایی، آمریکایی و کانادایی رابطه وجود دارد (فالکونیر و کوهن[3]، ۲۰۱۹).

رضایت زناشـــویی علاوه بر مقابله زوجی حمایتی، تحت‌تأثیـــر نزدیکی رابطه[4] زوجها به یکدیگر نیز قرار دارد. الســـاندری[5] (۲۰۱۳) نزدیکی رابطه را وجود خودافشـــایی به‌صورت متقابل، درک احساسات، دوست داشتن و ابراز عواطف، فراهم کردن حمایت برای طرف مقابل و مهم بودن رابطه می‌داند. نزدیکی رابطه و صمیمیت بسیار به هم مرتبط‌اند و دوقلوهای مفهومی محسوب می‌شوند (استرنبرگ[6]، ۱۹۸۸). در عین حال باید در نظر داشـــت که هرچند نزدیکی رابطه به معنای داشـــتن صمیمیت در رابطه‌های نزدیک و عاشقانه است اما طیف کاربردی وسیع‌تری دارد (پارکس و فلوید[7]، ۱۹۹۶). مفهوم‌پردازی رایج از صمیمیت و نزدیکی رابطه عبارت است از میزان رابطه تنگاتنگ با همسر، به اشتراک‌گذاری ارزشها و نظرات، فعالیتهای مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی مانند نوازش (پاتریک[8] و همـــکاران، ۲۰۰۷). نزدیکی رابطه با پیوند عاطفی پایدار میان افراد، درجه آگاهی از ویژگیهای فردی طرف مقابل و یا با هر دو ارتباط مســـتقیم دارد (دیبل[9] و همکاران، ۲۰۱۲)؛ کلی و بورگون[10] (۱۹۹۱، به نقل از حامدی و همکاران، ۱۳۹۲) معتقدند نارضایتی زناشویی زمانی خود را نشان می‌دهد که انتظار زوج از رسیدن به یک رابطه توأم با صمیمیت و نزدیک با شکست مواجه شود.

مقابله زوجی حمایتی به دو طریق با کیفیت و رضایت زناشـــویی در ارتباط اســـت و آن را افزایش می‌دهـــد: ۱. از طریق کاهش اســـترس منفی کـــه نقش تعدیلی دارد و ۲. از طریـــق افزایش نزدیکی و

1. Falconier
2. Yurkiw & Johnson
3. Kuhn
4. Relationship closeness
5. Alessandri
6. Sternberg
7. Parks & Floyd
8. Patrick
9. Dibble
10. Kelley & Burgoon

صمیمت در زوجها (بودنمن، ۲۰۰۵). به نظر می رسد حمایتهایی که افراد به ویژه از سوی همسر در شرایط استرس‌زا ادراک می‌کنند، به شناخت مثبت از طرف مقابل و نیز ایجاد اعتماد و احساس ارزشمندی در او می‌انجامد و سبب تقویت حس نزدیک بودن می‌شود. می‌توان گفت کاهش استرس به نزدیکی هر چه بیشتر زوج کمک می‌کند و با گذر زمان یک بازنمایی شناختی مثبت از همسر پدید می‌آید که با اسنادهای مفید و قابل اعتماد بودن همراه است. بنابراین مقابله زوجی اعتماد، امنیت و صمیمیت دوجانبه را افزایش می‌دهد و تأثیری مثبت بر رابطه و سود هر دو شریک دارد (بودنمن، ۲۰۰۰؛ به نقل از مایر[1] و همکاران، ۲۰۱۱). دریافت حمایتهای گوناگون کلامی مانند ابراز پشتیبانی و محبت کلامی و نیز حمایتهای غیرکلامی، در شرایطی که یکی از همسران و در پی آن واحد زناشویی دچار استرس شده است می‌تواند سبب به هم پیوستگی بیشتر زوج و نزدیکی رابطه آنها شود و از این طریق در گذر زمان رضایت از ارتباط زناشویی افزایش یابد. به‌طورکلی در رابطه با نقش نزدیکی رابطه، از یک سو پژوهشها نشان داده‌اند که مقابله زوجی موجب افزایش صمیمیت و نزدیکی در زوجها می‌شود (هرزبرگ، ۲۰۱۳؛ پاپ و ویت، ۲۰۱۰؛ روسو و همکاران، ۲۰۲۰) و از سوی دیگر نزدیکی ادراک‌شده میان همسران خود، عاملی مهم در ارتقای کیفیت و رضایت از رابطه زناشویی است (آرون[2] و همکاران، ۱۹۹۲؛ بن - آری و لاوی[3]، ۲۰۰۷؛ به نقل از نیمایر[4]، ۲۰۱۳). بنابراین با توجه به این موارد می‌توان گفت که نزدیکی رابطه می‌تواند نقش میانجی در ارتباط میان مقابله زوجی حمایتی و نیز رضایت زناشویی ایفا کند، از این رو بررسی این مهم در پژوهش حاضر در اولویت قرار گرفته است.

شایان ذکر است که معلمان گروهی هستند که در محیطهای آموزشی با محرکهای استرس‌زای بسیار مانند فشار کاری و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و والدین پرخاشگر مواجه‌اند (بویل[5] و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از بیانی و سمیعی، ۱۳۹۳). در این میان شیوع کرونا و تغییرات در شیوه آموزش، مشکلات معیشتی و مواردی از این دست نیز به استرسهای آنها افزوده است. با استناد به آنچه پیش از این گفته شد و نیز با توجه به شرایط استرس‌زایی که شیوع کرونا بر همه اقشار جامعه از جمله معلمان تحمیل کرده هدف پژوهش حاضر مدل‌یابی روابط ساختاری مقابله زوجی حمایتی همسران، نزدیکی رابطه و رضایت زناشویی در معلمان زن متأهل بوده است. در این راستا دو سؤال طرح شده است: ۱. آیا نزدیکی رابطه می‌تواند نقش میانجیگری را در رابطه بین مقابله زوجی حمایتی خود و رضایت زناشویی معلمان زن متأهل شهر شیراز ایفا کند؟ ۲. آیا نزدیکی رابطه می‌تواند نقش میانجیگری را در رابطه بین مقابله زوجی حمایتی همسر و رضایت زناشویی معلمان زن متأهل شهر شیراز ایفا کند؟

1. Meier
2. Aron
3. Ben-Ari & Lavee
4. Niemeyer
5. Boyle

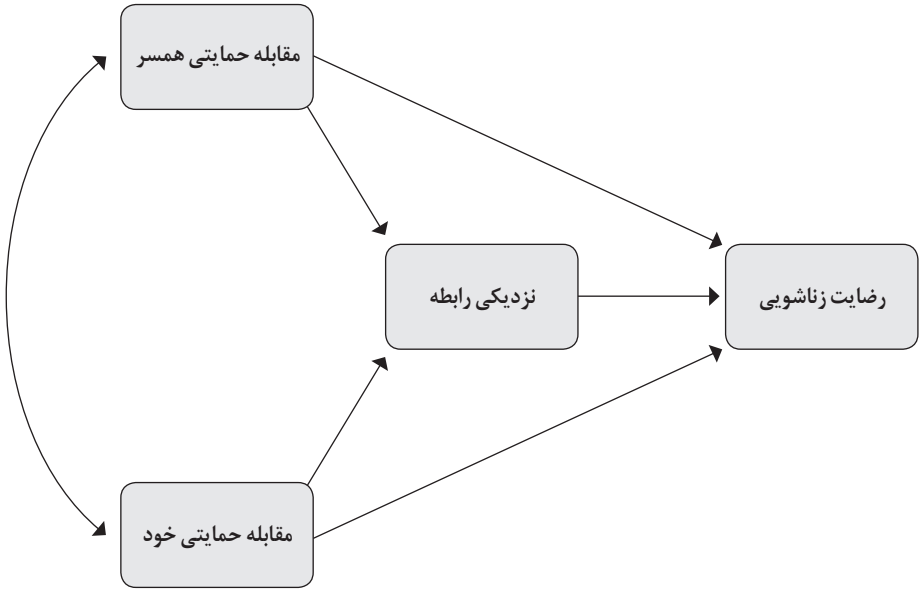

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

روش این پژوهش همبستگی مبتنی بر وب از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه پژوهش همه معلمان زن متأهل شهر شیراز در سال ۱۴۰۰ بودند. از میان این جامعه ابتدا ۲۱۳ معلم از طریق لینکی انتخاب شدند که در سایت پرسال (Porsall) ساخته شده بود. پرسشنامه‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی برایشان ارسال و آنها پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. بنابراین روش نمونه‌گیری در دسترس بود. در نهایت ۹ پرسشنامه به دلیل مخدوش بودن کنار گذاشته شده و داده‌های مربوط به ۲۰۴ نفر تحلیل شده است.

روند اجرای پژوهش به این صورت بود که ابتدا از میان نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز ناحیه ۱ به تصادف انتخاب شد. در مرحله بعد برای گردآوری داده‌ها لینک پرسشنامه‌های پژوهش از طریق اولیای مدارسی که مایل به همکاری بودند در گروههای معلمان دبیرستانهای دخترانه (ایمان، توحید، الزهرا، بنت‌الهدی، طباطبایی، حاج توحیدی و زینب کبری) در شبکه‌های اجتماعی از جمله تلگرام و واتس‌اپ قرار داده شد. ضمن اینکه برای پیشگیری از اشتباه این لینک حاوی توضیحاتی کامل دربارهٔ نحوه پر کردن پرسشنامه‌ها و شرایط شرکت در پژوهش بود. ملاکهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: تأهل، معلم بودن و داشتن حداقل یک فرزند و ملاک خروج زندگی جدا از همسر یا قرار داشتن در آستانه طلاق بود که در لینک ارسال شده به این موارد اشاره شده بود. در نهایت به منظور تحلیل داده‌ها و بررسی برازش مدل از نرم‌افزارهای AMOS-25 و SPSS-25 استفاده شده است. شایان ذکر

است به منظور در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی، در لینک ارسالی بر این نکته تاکید شد که در صورت رضایت کامل اقدام به پر کردن پرسشنامه‌ها شود. ضمن اینکه برای حفظ حریم خصوصی افراد، در زمینه مشخصاتی نظیر نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان سؤالی مطرح نشد.

در پایان بررسی اطلاعات جمعیت‌شناختی نشان داد که ۱۳ نفر از شرکت‌کنندگان دارای مدرک دکتری، ۲۹ نفر فوق‌لیسانس و ۱۶۲ دارای مدرک لیسانس بودند. همچنین ۵۶ نفر دارای یک فرزند، ۹۴ نفر دارای دو فرزند، ۲۵ نفر دارای سه فرزند و ۲۹ نفر دارای چهار فرزند و بیشتر بودند.

◉ ابزار پژوهش

۱. مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه[1] (URCS): این مقیاس ۱۲ آیتمی را دیبل و همکاران (۲۰۱۲) ساخته شده‌اند که برای فهم میزان وابستگی متقابل افراد در روابط نزدیک به‌کار برده می‌شود. سازندگان این مقیاس آن را روی گروههای مختلف مانند زوجها، دانشجویان و دوستان مورد استفاده قرار داده و ویژگیهای روانسنجی آن را بررسی کرده‌اند. این پرسشنامه را در ایران اولین‌بار نادری نوبندگانی (۱۳۹۴) به‌کار برده و میزان نزدیکی زوجها به یکدیگر را در یک پژوهش آزمایشی مورد اندازه‌گیری قرار داده است. نمونه‌هایی از آیتمهای این مقیاس عبارت‌اند از: «رابطه من و همسرم نزدیک است»، یا «هنگام تصمیم‌گیریهای مهم همسرم را در نظر می‌گیرم». این مقیاس در طیفی هفت رتبه‌ای از ۱= کاملاً مخالفم تا ۷= کاملاً موافقم تنظیم شده است و حداقل و حداکثر نمره آن ۱۲ و ۸۴ است، ضمن آنکه نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده احساس نزدیکی بیشتر در رابطه با همسر است.

ضریب آلفای‌کرونباخ این مقیاس در پژوهش دیبل و همکاران (۲۰۱۲) برای زوجها ۰/۹۳، ضریب بازآزمایی آن ۰/۶۳ و ضریب روایی همگرای آن با مقیاس شمول دیگری در خود (آرون و همکاران، ۱۹۹۲) ۰/۵۸ معنادار گزارش شده است. همچنین در پژوهش ویلار[2] و همکاران (۲۰۱۷) آلفای‌کرونباخ برای این مقیاس ۰/۹۳ گزارش شده است.

صمدیه و همکاران (۱۳۹۸) ضریب پایایی این مقیاس به روش آلفای‌کرونباخ را ۰/۹۵ و ۰/۹۳ و به روش دو نیمه کردن ۰/۸۹ و ۰/۸۸ گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای‌کرونباخ ۰/۹۶ به‌دست آمده است.

۲. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ[3] (ENRICH-47): در این پژوهش به منظور سنجش میزان رضایت زناشویی شرکت‌کنندگان از پرسشنامهٔ ۴۷ سؤالی رضایت زناشویی انریچ (فاورز و

1. The Unidimensional Relationship Closeness Scale (URCS)
2. Vilar
3. ENRICH Marital Satisfaction Scale

اولســون[1]، ۱۹۹۳) استفاده شده است که در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم قرار دارد و تعدادی از سؤالات آن به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

فــاورز و اولســون (۱۹۹۳) ضریب آلفای کرونبــاخ این پرسشــنامه را ۰/۹۲ گزارش کردند. در ایران ســلیمانیان (۱۳۷۳؛ به نقل از کاوه فارســانی و همکاران، ۱۳۹۱) پایایی این پرسشنامه را ۰/۹۳ گزارش کرده اســت. همچنین، همبســتگی این پرسشنامه با مقیاس رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس زندگی از ۰/۳۳ تا ۰/۴۱ به‌دست آمده که نشانه روایی سازه آن است. رجبی (۱۳۸۸) روایی همزمان این پرسشــنامه با پرسشنامه رضایت زناشویی محرابیان (۱۹۹۸) را ۰/۸۳ ($p < ۰/۰۰۰۱$) گـزارش کـرده است. همچنین پایایی ایـن پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۹۴ به‌دست آمده است.

۳. پرسشــــنامه مقابله زوجی حمایتی[2] (DCQ): فرم اصلی پرسشنامه مقابله زوجی را بودنمن (۲۰۰۵) ساخته است و دارای ۳۷ آیتم و ۹ خرده‌مقیاس است و در لیکرت ۵ بخشی از ۱= به‌ندرت تا ۵ = همیشه قرار می‌گیرد (بودنمن، ۲۰۰۸). این پرسشنامه با هدف سنجش رفتارهای مقابله‌ای زوجها در موقعیتهای اســترس‌زا تدوین شده اســت (بودنمن، ۲۰۰۸). در این پژوهش به منظور ارزیابی مقابله حمایتی در زوجها از خرده‌مقیاســهای مقابله زوجی حمایتی توسط خود شخص[3] و مقابله زوجی حمایتی همسر[4] (بودنمن و همکاران، ۲۰۰۶) استفاده شده است.

بودنمن (۲۰۰۸) ضریب آلفا برای نمره کل پرسشنامه مقابله زوجی را به ترتیب برای مردان و زنان ۰/۹۲ و ۰/۹۳ گزارش کرده است. در ایران خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ را برای هر دو گروه زنان و مردان ۰/۹۱ و روایی سازه همزمان پرسشنامه در نمونهٔ مردان را ۰/۷۱ و زنان را ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل پرسشنامه ۰/۹۴ به‌دســت آمده است و برای خرده‌مقیاســهای مقابله زوجی حمایتی خود ۰/۷۸ و مقابله حمایتی ادراک شده همسر ۰/۸۷ به‌دست آمده است.

یافته‌ها

در بخش یافته‌ها ابتدا به ارائه آمار توصیفی مربوط به متغیرها پرداخته خواهد شد و سپس یافته‌های مربوط به سؤال اصلی پژوهش موردبررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

1. Fowers & Olson
2. Dyadic Coping Inventory
3. Supportive dyadic coping by oneself
4. Supportive dyadic coping of the partner

جدول ۱. شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش

	متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
۱.	مقابله زوجی حمایتی خود	۱۹/۰۳	۳/۸۶
۲.	مقابله زوجی حمایتی همسر	۱۶/۹۲	۵/۱۰
۳.	نزدیکی رابطه	۶۵/۶۲	۱۴/۶۲
۴.	رضایت زناشویی	۱۵۷/۳۶	۳۰/۴۹

براســـاس نتایج جدول شماره ۱، رضایت زناشویی ۱۵۷/۳۶ بالاترین و مقابله زوجی حمایتی همسر ۱۶/۹۲ پایین‌ترین میانگین را در میان متغیرهای پژوهش به خود اختصاص داده است.

در ادامه ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش که شامل مقابله زوجی حمایتی خود، همسر، نزدیکی رابطه و رضایت زناشویی هستند در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴
۱.	مقابله زوجی حمایتی خود	۱۹/۰۳	۳/۸۶	۱			
۲.	مقابله زوجی حمایتی همسر	۱۶/۹۲	۵/۱۰	۰/۵۳**	۱		
۳.	نزدیکی رابطه	۶۵/۶۲	۱۴/۶۲	۰/۶۴**	۰/۷۷**	۱	
۴.	رضایت زناشویی	۱۵۷/۳۶	۳۰/۴۹	۰/۵۵**	۰/۷۹**	۰/۷۸**	۱

($p < ۰/۰۰۱$)

براســـاس نتایج جدول شماره ۲، میان رضایت زناشویی با مقابله زوجی حمایتی خود، مقابله زوجی حمایتی همســـر و نزدیکی رابطه و میان مقابله زوجی حمایتی خود و همسر با نزدیکی رابطه در سطح ($p<۰/۰۰۱$) ارتباط وجود دارد. در ادامه برای آزمون مدل پژوهش برازش مدل مورد بررسی قرار گرفته است.

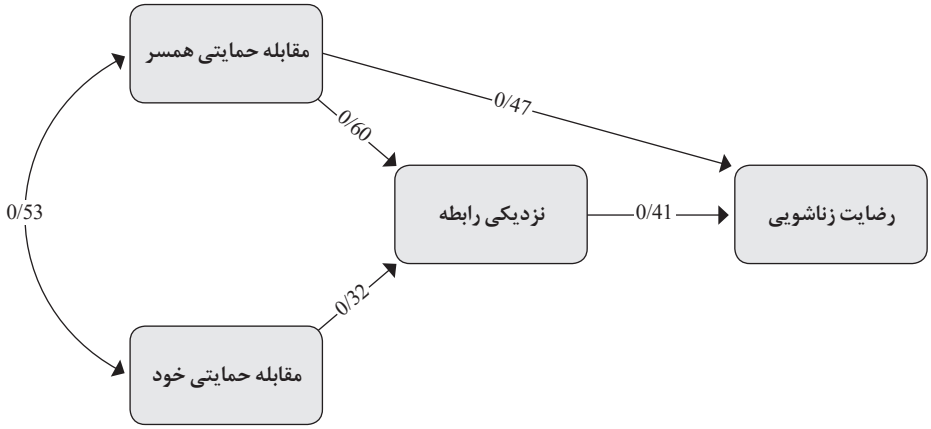

شکل ۲. مدل نهایی پژوهش همراه با ضرایب استاندارد مسیرها

به‌منظور برازش بهینه مدل پژوهش مسیر مقابله زوجی حمایتی خود به رضایت زناشویی حذف شده و سپس برازش مدل موردبررسی قرار گرفته است. در ادامه در جدول شماره ۳، وزنهای رگرسیونی استاندارد و غیر استاندارد و نیز نسبت بحرانی ارائه شده است. در ادامه شاخصهای برازش مدل اصلاح شده در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. وزنهای رگرسیونی و نسبت بحرانی مربوط به مدل پژوهش

مسیرها	وزن رگرسیونی غیراستاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری	وزن رگرسیونی استاندارد
مقابله حمایتی همسر ← نزدیکی رابطه	۱/۷۳	۱۲/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۶۰۵**
مقابله حمایتی خود ← نزدیکی رابطه	۱/۲۱	۶/۸۰	۰/۰۰۱	۰/۳۲۱**
مقابله حمایتی همسر ← رضایت زناشویی	۲/۸۱	۷/۷۳	۰/۰۰۱	۰/۳۲۱**
نزدیکی رابطه ← رضایت زناشویی	۰/۸۷	۶/۸۵	۰/۰۰۱	۰/۴۱۷**

براساس نتایج جدول شماره ۳، مسیر مستقیم مقابله زوجی حمایتی همسر (β=۰/۴۷، p<۰/۰۰۱) به رضایت زناشویی معنادار است. از سویی هم مسیرهای مقابله زوجی حمایتی خود (β=۰/۳۲، p<۰/۰۰۱) و همسر (β=۰/۶۰، p<۰/۰۰۱) به نزدیکی رابطه و مسیر نزدیکی رابطه به رضایت زناشویی (β=۰/۴۱، p<۰/۰۰۱) نیز معنادار بود.

جدول ۴. شاخصهای برازش مدل

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار مشاهده شده
x^2/df	≤ ۳	۱/۳۶
IFI	> ۰/۹	۰/۹۹
RMSEA	< ۰/۰۸	۰/۰۴
CFI	> ۰/۹	۰/۹۹
GFI	>۰/۹	۰/۹۹
RFI	> ۰/۹	۰/۹۸
NFI	> ۰/۹	۰/۹۹

با توجه به اینکه مقدار شاخصهای برازش ذکر شده در جدول شماره ۴ بالای ۰/۹۰ و شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۴ و کمتر از مقدار ۰/۰۸ است می‌توان گفت مدل از برازشی مطلوب برخوردار است.

در ادامه به منظور معناداری اثرات غیرمستقیم از آزمون بوت استرپ در نرم‌افزار AMOS استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای

مسیرها	برآورد غیراستاندارد	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری	برآورد استاندارد
مقابله حمایتی همسر ← نزدیکی رابطه	۱/۹۳	۱/۵۲	۲/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۳۲۴**
مقابله حمایتی خود ← نزدیکی رابطه	۳/۶۸	۳/۱۱	۴/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۴۶۸**

**p<۰/۰۰۱

براساس نتایج جدول شماره ۵، حد پایین و بالای فاصلهٔ اطمینان برای نزدیکی رابطه به‌منزلهٔ متغیر میانجی میان مقابله حمایتی همسر و رابطه زناشویی به ترتیب (۱/۵۲) و (۲/۳۷) (P<۰/۰۰۱)؛ مقابله حمایتی خود، نزدیکی رابطه با رابطه زناشویی (۳/۱۱) و (۴/۳۴) (P<۰/۰۰۱) به‌دست آمده است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان (P<۰/۰۵) و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ است. بنابراین با توجه به سطح اطمینان (P<۰/۰۵) که از لحاظ آماری معنادار است، می‌توان این‌گونه گفت که نزدیکی رابطه نقش میانجی در رابطه مقابله حمایتی همسر و مقابله حمایتی خود با رابطه زناشویی ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هـــدف پژوهش حاضـــر مدل‌یابی روابط ســـاختاری مقابله زوجی حمایتـــی، نزدیکی رابطه و رضایت زناشـــویی در معلمان زن متأهل بود. تحلیل داده‌ها برای پاســـخ به سؤالهایی که به منظور بررســـی هدف پژوهش طراحی شده بود، نشان دادند که نزدیکی رابطه می‌تواند نقش میانجیگری در رابطه میان مقابله حمایتی زوجی خود و رضایت زناشـــویی زنان متأهل ایفا کند. گفتنی است که مسیر مستقیم مقابله زوجی خود به رضایت زناشویی معنادار نبود. این یافته همسوست با نتایج پژوهشـــهای بودنمن و همکاران (۲۰۰۶) و پاپ و ویت (۲۰۱۰) که نشـــان دادند برای زنان مقابله زوجی‌شان با رضایت زناشویی آنها ارتباط دارد. به‌طورکلی زوجهایی که صمیمیت بیشتری دارند، رضایتمندی مطلوب‌تری را تجربه می‌کنند و آســـان‌تر با مسائل و مشکلات زناشویی کنار می‌آیند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷). مقابله زوجی حمایتی در زمان بحران می‌تواند موجب شود که زوجها برای حل مشکل به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و رابطه‌ای آرام‌بخش میان آنها شکل گیرد. همین امر در گذر زمان می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش دهد. کوین و فیسک[1] (۱۹۹۲، به نقل از وندولوسکا[2] و همکاران،۲۰۲۲) بر اهمیت حمایت ارائه شدهٔ هر یک از شرکای رابطه، بر فرایند مقابله‌ای طرف دیگـــر تأکید می‌کنند. این دو معتقدند که این نوع از حمایـــت می‌تواند در نهایت به یک رابطه با کیفیت بهتر بینجامد. در واقع شـــرکای صمیمی منبع مهم حمایت اجتماعی‌اند و در اغلب موارد، منابع بین فردی برای احساس امنیت، راحتی و حمایت به‌شمار می‌آیند، بنابراین به نظر می‌رسد حمایتهای ارائه شـــده خارج از ازدواج به اندازه‌ای که باید کمبود حمایت همسر را جبران نمی‌کند (بری[3] و همکاران، ۲۰۰۹).

همچنین نتایج نشان دادند که نزدیکی رابطه می‌تواند نقش میانجیگری در رابطه میان مقابله حمایتی زوجی همســـر و رضایت زناشـــویی زنان متأهل ایفا کند. این یافته ناهمسوست با نتایج پژوهشـــهای پاپ و ویت (۲۰۱۰) که پی بردند هیچ‌کدام از انواع مقابله‌های منفی و مثبت زوجی در مردان با میزان رضایت زناشویی همسرانشان ارتباط ندارد و همسوست با یافته‌های پاپ و ویت (۲۰۱۰) که نشان دادند میان مقابله زوجی مردان با رضایت زناشویی زنان آنها ارتباط وجود دارد. در تبییـــن این یافته می‌توان گفت که مقابله زوجی خود از طریق افزایش نزدیکی رابطه می‌تواند در رضایت زناشویی اثرگذار باشد. مقابله زوجی در شرایطی که وی دچار استرس و در حال مقابله با شـــرایط استرس‌زاست می‌تواند موجب نزدیک شـــدن و صمیمیت هرچه بیشتر زوج به یکدیگر شود. از آنجایی که همسر فرد مهم و اثرگذار زندگی هر فرد است، اهمیت حمایت همسر در ازدواج

1. Coyne & Fiske
2. Wendołowska
3. Barry

غیرقابل‌انکار است و می‌تواند رضایت از زندگی را تحت‌تأثیر قرار دهد (لاورنس[1] و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین همسو با این یافته که مسیر مستقیم مقابله زوجی همسر به رضایت زناشویی معنادار بود می‌توان به برخی پژوهشها اشاره کرد که نشان می‌دهند مقابله زوجی همسر نسبت به مقابله زوجی خود، پیش‌بینی قوی‌تر برای رضایت زناشـــویی در افراد متأهل است (فالکونیر و همکاران، ۲۰۱۵؛ جانســـون[2] و همکاران، ۲۰۱۳). براساس پژوهشـــهای صورت گرفته (لاورنس و همکاران، ۲۰۰۸) افرادی که همســـران حمایت‌کننده دارند، رضایت بیشتری از رابطه زناشوییشان دارند و زوجهای آشفته در بیشتر مواقع عدم دریافت حمایت از سوی همسر را دلیل اصلی نارضایتی از رابطه خود بیان می‌کنند. بر این اساس بهره‌گیری از این نوع مقابله در زمان استرس می‌تواند موجب حمایت از رابطه و نیز هر دو همسر شود.

به‌طورکلی در مورد ارتباط میان مقابله زوجی همسر و رضایت زناشویی افرادی مانند بودنمن (۱۹۹۵) معتقدند به این واســـطه که استرس حل‌نشده یا مدیریت‌نشده یکی از زوجها، دیگری را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، هر دو عضو واحد زوجی علاقه بســـیار به حمایت از یکدیگر به‌منظور ضمانت بهزیستی خودشان و دوام رابطه زناشویی‌شان دارند. به عبارت دیگر افراد به‌منظور کاهش تنشهای وارده به واحد زناشویی تلاش می‌کنند از میزان استرس همسر در شرایط بحرانی بکاهند و به این ترتیب فشار را از خود نیز بردارند. بنابراین عملکردهایی از این قبیل می‌تواند نفع دو جانبه داشته باشد. به این صورت که هم به کاهش استرس فردی همسر منجر شود و هم فشار را از واحد زناشویی که هر دو فرد در آن حضور دارند، بردارد. می‌توان گفت مقابله حمایتی از مواردی است که زوجها استرس ناشی ازمسائل روزمره را کاهش می‌دهند و آن را قابل تحمل می‌کنند. وجود یک فرد حمایت‌کننده که تلاش می‌کند از نگرانیهای طرف مقابل بکاهد و راههایی را در جهت حل مشکل ارائه دهد، می‌تواند از فشار روانی همسر نیز بکاهد. زمانی که این نوع پاسخگویی به نیازهای همسر با گذشـــت زمان ثابت باشد، می‌تواند عشق، اعتماد، صبوری و تعهد را که به ثبات روابط صمیمانه کمک می‌کنند افزایش دهد. در شرایط بروز فشار روانی حمایت همسر مانند سپری محافظ عمل می‌کند و می‌تواند از بروز مشکلات هر چه بیشتر پیشگیری کند.

از محدودیتهای پژوهش این بود که به دلیل نمونه‌گیری در زمان شیوع کرونا و عدم بازگشایی مدارس به‌طور کامل، برای گردآوری داده‌ها از لینک اســـتفاده شـــده است و طبیعتاً امکان ارتباط نزدیک‌تر با گروه نمونه برای پاســـخگویی به ابهامات احتمالی در مورد پرسشنامه‌ها وجود نداشته اســـت. همچنین در این پژوهش شرکت‌کنندگان معلمان زن بودند، بنابراین تعمیم نتایج پژوهش به همه معلمان شاغل با محدودیتهایی روبه‌روست.

1. Lawrence
2. Johnson

در این پژوهش به بررســـی دیدگاه معلمان زن متأهل در رابطه با مقابله زوجی حمایتی خود و همسر در شرایط استرس‌زا پرداخته شده است. نتایج نشان داد که نزدیکی رابطه می‌تواند نقش میانجی را در رابطه میان مقابله زوجی حمایتی و رضایت زناشـــویی ایفا کند. از این‌رو پیشـــنهاد می‌شود با توجه به نتایج به‌دســـت آمده، در مشاوره‌های پیش از ازدواج به‌ویژه به زوجهای دوسر شاغل در زمینه چگونگی رویارویی با مشکلات و مقابله حمایتی در بحرانهای زندگی آموزش لازم ارائه شـــود، چرا که آموزش این نوع از مقابله می‌تواند در استحکام رابطه زوجی نقش داشته باشد و از آســـیبهای بسیاری از جمله طلاق پیشگیری کند. همچنین پیشنهاد می‌شود مشاوران و زوج درمانگران در جلســـات زوج درمانی، به آموزش این نوع از مقابله به زوجهای دارای مشـــکل توجه لازم را داشـــته باشند. پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی نمونه‌گیری از همسران افراد شاغل نیز انجام گیرد و بحث مقابله زوجی از دیدگاه خود این افراد نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در پژوهشهای آتی بهتر است مقابله‌های زوجی دیگر اعم از مثبت و منفی مورد سنجش قرار گیرند.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می دانیم از تمامی افرادی که در فرایند انجام پژوهش
به نویسندگان این مقاله یاری رسانده‌اند،
به ویژه معلمان مدارس دخترانه ناحیه یک شیراز
که در تکمیل پرسشنامه‌ها همکاری داشته‌اند
و نیز معلمان و مدیرانی که فرایند نمونه‌گیری را تسهیل نمودند
کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

منابع

REFERENCES

بیانی، علی‌اصغر و ســـمیعی، رضا. (۱۳۹۳). نقش استرس شغلی و فرسودگی شغلی بر سلامت روانی معلمان ابتدایی: آزمون یک مدل فرضی. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۲ (۴)، ۳۱۲-۳۲۱.

حامدی، بتول؛ شـــفیع‌آبادی، عبدالله؛ نوابی‌نژاد، شکوه و دلاور، علی. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی رویکرد درمان هیجان‌مدار بر افزایش میزان صمیمیت زناشویی و خودکارآمدی زوجهای دانشجو. *فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۴ (۳)، ۴۳-۵۶.

خجســـته‌مهر، رضا؛ نادری، فاطمه و ســـودانی، منصور. (۱۳۹۲). نقش واســـطه‌ای مقابله زوجی در رابطه بین استانداردهای زناشویی و رضایت زناشویی. *روشها و مدلهای روانشناختی*، ۳ (۱۲)، ۴۷-۶۷.

رجبی، غلامرضا. (۱۳۸۸). ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارمندان متأهل دانشگاه شهید چمران. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۵ (۴)، ۳۵۱-۳۵۸.

صمدیه، هادی؛ تنهای رشـــوانلو، فرهاد؛ سعیدی رضوانی، طلیعه و طالب‌زاده شوشتری، لیلا. (۱۳۹۸). ویژگیهای روان‌سنجی مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه براساس نظریه کلاسیک و سؤال - پاسخ. *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۱۰ (۳۸)، ۵۳-۸۴.

فلاح‌چای، ســـید رضا (۱۳۹۷)، بررسی نقش واسطه‌ای مقابله زوجی حمایتی در رابطه استرس با سازگاری زناشویی زنان در مبتلا به سرطان پستان تحت درمان. *فصلنامه بیماری‌های پستان ایران*، ۱۱ (۳)، ۲۱-۳۱.

کاوه فارسانی، ذبیح‌اله، احمدی، سید احمد و فاتحی‌زاده، مریم‌السادات. (۱۳۹۱). تاثیر آموزش مهارتهای زندگی بر رضایت و سازگاری زناشویی زنان متأهل، روستاهای شهرستان فارسان. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲ (۳)، ۳۷۳-۳۸۷.

نادری نوبندگانی، زهرا. (۱۳۹۴). *اثربخشی زوج درمانی سیستمی سازه‌گرا بر پردازش بین فردی، رابطه متقابل، نزدیکی رابطه و سازگاری زوجی در زوجهای آشفته*. رساله دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز.

Acquati, C., & Kayser, K. (2019). Dyadic coping across the lifespan: A comparison between younger and middle-aged couples with breast cancer. *Frontiers in Psychology, 10*, Article 404.

Alessandri, F. T. (2013). *Assessing associations among interpersonal closeness, fear of intimacy, secure attachment, and a maternally warm rearing style*. Master's thesis. The University of Mississippi.

Aron, A., Aron, E. N., & Smollan, D. (1992). Inclusion of other in the Self Scale and the structure of interpersonal closeness. *Journal of Personality and Social Psychology*, *63*(4), 596-612.

Bannon, S. M., Grunberg, V. A., Reichman, M., Popok, P. J., Traeger, L., Dickerson, B. C., & Vranceanu, A. M. (2021). Thematic analysis of dyadic coping in couples with young-onset dementia. *JAMA Network Open*, *4*(4), e216111.

Barry, R. A., Bunde, M., Brock, R. L., & Lawrence, E. (2009). Validity and utility of a multidimensional model of received support in intimate relationships. *Journal of Family Psychology*, *23*(1), 48-57.

Bodenmann, G. (1995). A systemic-transactional conceptualization of stress and coping in couples. *Swiss Journal of Psychology, 54*(1), 34-49.

_____ . (1997). Dyadic coping: A systemic-transactional view of stress and coping among couples: Theory and empirical findings. *European Review of Applied Psychology, 47*(2), 137-140.

_____ . (2005). Dyadic coping and its significance for marital functioning. In T. A. Revenson, K. Kayser, & G. Bodenmann (Eds.), *Couples coping with stress: Emerging perspectives on dyadic coping* (pp. 33-49). American Psychological Association.

_____ . (2008). *Dyadisches coping inventar: Test manual [Dyadic Coping Inventory: Test manual]*.

Bern, Switzerland: Huber.

Bodenmann, G., & Cina A. (2005). Stress and coping among stable-satisfied, stable-distressed, and separated/ divorced Swiss couples: A 5-year prospective longitudinal study. *Journal of Divorce & Remarriage*, *44*(1-2), 71-89.

Bodenmann, G., Pihet, S., & Kayser, K. (2006). The relationship between dyadic coping and marital quality: A 2-year longitudinal study. *Journal of Family Psychology, 20*(3), 485-493.

Breitenstein, C. J., Milek, A., Nussbeck, F. W., Davila, J., & Bodenmann, G. (2018). Stress, dyadic coping, and relationship satisfaction in late adolescent couples. *Journal of Social and Personal Relationships, 35*(5), 770-790.

Bühler, J. L., Krauss, S., & Orth, U. (2021). Development of relationship satisfaction across the life span: A systematic review and meta-analysis. *Psychological Bulletin*, *147*(10), 1012-1053.

Cutrona, C., Bodenmann, G., Randall, A. K., Clavél, F. D., & Johnson, M. (2018). Stress, dyadic coping, and social support: Moving toward integration. In A. L. Vangelisti & D. Perlman (Eds.), *The Cambridge handbook of personal relationships* (2nd ed., pp. 341-352). Cambridge University Press.

Dibble, J. L., Levine, T. L., & Park, H. S. (2012). The Unidimensional Relationship Closeness Scale (URCS): Reliability and validity evidence for a new measure of relationship closeness. *Psychological Assessment, 24*(3), 565-572.

Donato, S., Parise, M., Pagani, A. F., Lanz, M., Regalia, C., Rosnati, R., & Iafrate, R. (2021). Together against COVID-19 concerns: The role of the dyadic coping process for partners' psychological well-being during the pandemic. *Frontiers in Psychology, 11*, Article 578395.

Falconier, M. K., Jackson, J. B., Hilpert, P., & Bodenmann, G. (2015). Dyadic coping and relationship satisfaction: A meta-analysis. *Clinical Psychology Review*, *42*, 28-46.

Falconier, M. K., & Kuhn, R. (2019). Dyadic coping in couples: A conceptual integration and a review of the empirical literature. *Frontiers in Psychology, 10*, Article 571.

Finzi-Dottan, R., & Schiff, M. (2022). Couple relationship satisfaction: The role of recollection of parental acceptance, self-differentiation, and spousal caregiving. *Journal of Social and Personal Relationships, 39*(2), 179-197.

Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1993). ENRICH Marital Satisfaction Scale: A brief research and clinical tool. *Journal of Family Psychology*, *7*(2), 176-185.

Genç, E., Su, Y., & Turhan, Z. (2023). The mediating role of dyadic coping on the effects of Covid-19 and relationship satisfaction among Turkish couples. *The American Journal of Family Therapy*, *51*(4), 421-439.

Herzberg, P. Y. (2013). Coping in relationships: The interplay between individual and dyadic coping and their effects on relationship satisfaction. *Anxiety, Stress & Coping, 26*(2), 136-153.

Johnson, M. D., Anderson, J. R., Walker, A., Wilcox, A., Lewis, V. L., & Robbins, D. C. (2013). Common dyadic coping is indirectly related to dietary and exercise adherence via patient and partner diabetes efficacy. *Journal of Family Psychology*, *27*(5), 722-730.

Lawrence, E., Bunde, M., Barry, R. A., Brock, R. L., Sullivan, K. T., Pasch, L. A., … Adams, E. E. (2008). Partner support and marital satisfaction: Support amount, adequacy, provision, and solicitation. *Personal Relationships, 15*(4), 445-463.

Meier, C., Bodenmann, G., Mörgeli, H., & Jenewein, J. (2011). Dyadic coping, quality of life, and psychological distress among chronic obstructive pulmonary disease patients and their partners. *International Journal of Chronic Obstructive Pulmonary Disease*, *6*, 583-596.

Mehrabian, A. (1998). Correlations of the PAD Emotion Scales with self-reported satisfaction in

marriage and work. Genetic, *Social, and General Psychology Monographs, 124*(3), 311-334.

Niemeyer, H. (2013). An interdisciplinary approach to romantic relationships in postmodern society. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *82*, 282-287.

Papp, L. M., & Witt, N. L. (2010). Romantic partners' individual coping strategies and dyadic coping: Implications for relationship functioning. *Journal of Family Psychology, 24*(5), 551-559.

Parks, M. R., & Floyd, K. (1996). Meanings for closeness and intimacy in friendship. *Journal of Social and Personal Relationships*, *13*(1), 85-107.

Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal, 15*(4), 359-367.

Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2009). The role of stress on close relationships and marital satisfaction. *Clinical Psychology Review*, *29*(2), 105-115.

Rusu, P. P., Hilpert, P., Beach, S. R. H., Turliuc, M. N., & Bodenmann, G. (2015). Dyadic coping mediates the association of sanctification with marital satisfaction and well-being. *Journal of Family Psychology*, *29*(6), 843-849.

Rusu, P. P., Nussbeck, F. W., Leutchmann, L., & Bodenmann, G. (2020). Stress, dyadic coping, and relationship satisfaction: A longitudinal study disentangling timely stable from yearly fluctuations. *PLoS One*, *15*(4), e0231133.

Shi, G., Shi, T., Liu, Y., & Cai, Y. (2021). Relationships between dyadic coping, intimate relationship, and post-traumatic growth in patients with breast cancer: A cross-sectional study. *Journal of Advanced Nursing, 77*(12), 4733-4742.

Sternberg, R. J. (1988). *The triangle of love: Intimacy, passion, commitment*. New York, NY: Basic Books.

Vilar, R., Araujo, R. d. C. R., Coelho, G. L. D. H., Grangeiro, A. S. M., & Gouveia, V. V. (2017). Psychometric properties of the Unidimensional Relationship Closeness Scale (URCS) for a Brazilian sample. *The Spanish Journal of Psychology*, *20*, Article E19.

Wendołowska, A. M., Czyżowska, D., & Bodenmann, G. (2022). Psychometric properties and measurement invariance of the Polish version of the Dyadic Coping Inventory. *Current Psychology*, *41*(3), 1159-1173.

Yurkiw, J., & Johnson, M. D. (2021). Perceived stress, supportive dyadic coping, and sexual communication in couples. *Journal of Social and Personal Relationships, 38*(5), 1729-1737.

Quarterly Journal of
Family and Research

Finding a Model for the Structural Relationships of Supportive Dyadic Coping and Marital Satisfaction with the Mediating Role of Relationship Closeness in Married Female Teachers

■ Z. Naderi Nobandegani, Ph.D.[1] ■ P. Yaseminezhad, Ph.D.[2] ■ K. Shiralinia, Ph.D.[3]

Abstract

This study set out to find a model for the structural relationships of supportive dyadic coping of the self and that of the spouse and marital satisfaction with the mediating role of relationship closeness in married female teachers in Shiraz. The method of this research was correlation-descriptive. The statistical population of the study was comprised of all teachers in Shiraz in 2021. The research sample was comprised of 204 married female teachers in District 1 of Shiraz who were selected through convenience sampling method. The participants filled out the Dyadic Coping Questionnaire (Bodenmann, 2008), ENRICH Marital Satisfaction Scale (Fowers & Olson, 1993) and the Unidimensional Relationship Closeness Scale (Dibble et al., 2012). The data were analyzed using path analysis method using AMOS-25 and SPSS-25 software. The results showed that there were significant dual relationships between the variables. The direct path of supportive dyadic coping of the spouse was significant for marital satisfaction and in contrast, the direct path of supportive dyadic coping of self was not significant for marital satisfaction. The AMOS software bootstrap test was also used to determine the significance of indirect effects and the results showed that the relationship closeness can play a mediating role in the relationship between supportive dyadic coping of the self and that of the spouse with marital satisfaction in married female teachers. Based on the results, it can be stated that the support of couples in times of crisis plays a significant role in marital satisfaction and relationship closeness can play an important role as well.

Keywords: **marital satisfaction, supportive dyadic coping of the self, supportive dyadic coping of the spouse, relationship closeness, married female teachers**

Date received: Feb. 4, 2022 **Date accepted:** Aug. 25, 2022

1. **Corresponding Author:** Assistant Professor of Psychology, Faculty of Psychology and Education, Yazd University, Yazd, Iran.
E-mail: zahra.naderi@yazd.ac.ir
2. Assistant Professor of Psychology, Razi University, Kermanshah, Iran.
E-mail: p.yasemi@razi.ac.ir
3. Associate Professor of Counselling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
E-mail: k.shiralinia@scu.ac.ir